

مرضیه پولادچنگ*

مائده جابری راد**

ادهم ضرغام***

تاریخ دریافت: ۹۲/۷/۵

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۴

تحلیل نقوش جام شوش از منظر ساختار و مفهوم

چکیده

درک و فهم آثار هنرهای تصویری نیازمند شناخت دو عنصر اساسی ساختار (صورت) و محتواست. ساختار، قالب و اساس کلی تصویر و محتوا، هویت اثر و نگرش و بینش آفریننده اثر هنری را نشان می‌دهد. در برقراری ارتباط مخاطب با اثر هنری، تقدم در فهم زبان تصویری است، بر همین اساس این پژوهش، ساختار اثر را مقدم بر محتوای آن دانسته و با همین رویکرد به تحلیل نقوش جام شوش و تطبیق آن با عناصر تجسمی (نقطه، خط، سطح، ...) پرداخته و سپس کیفیت‌ها و ویژگی‌های متنوع و پیچیده ترکیب‌بندی این جام را بیان می‌کند. همچنین این پژوهش تأکیدی است بر نبوغ هنرمند چهار هزار سال پیش که با نگرشی صحیح و کاربرد فطری عناصر بصری و کیفیت‌های تجسمی به مناسب‌ترین شکل به بیان موضوع و مضمون مورد نظر پرداخته است. هدف این تحقیق، شناخت ارتباطات پیدا و پنهان عناصر و کیفیت‌های بصری این اثر و مفهوم آنهاست. روش این تحقیق توصیفی تحلیلی و مبتنی بر منابع تصویری کتابخانه‌ای است.

کلید واژه:

جام شوش

عناصر بصری

کیفیت‌های بصری

شکل

کارشناس ارشد پژوهش هنر*

pooladchang.mar@gmail.com

کارشناس ارشد ارتباط تصویری، مدرس مدعو، گروه هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز**

mjaberirad@gmail.com

استادیار دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران***

azargham@ut.ac.ir

مقدمه

در پایان دوره طبیعت‌گرایی که متکی بر فرهنگ شکارگری بود، زندگی بشری دستخوش تحولات عدیده‌ای شد. کشاورزی عصر نوسنگی دیگر کوچ‌رو نیست و به نیروهای برونی شکارگر عصر پارینه‌سنگی نیاز ندارد. شکارچی نیست، کشاورزی است که اقتصاد بی‌نظم و از امروز به فردا ندارد و اقتصادی برنامه‌ریزی شده جایگزین آن شده و قادر است به میزان زیادی نیروهای مخرب و متخاصم طبیعی را تحت فرمان خود در آورد. توانایی کشاورزی عصر نوسنگی در به نظم در آوردن عوامل طبیعی نظیر آب، کوه، کشت‌زار و حیوان و ترسیم نقوش سفال‌ها در انتزاعی‌ترین شکل خود، در قالب اشکال هندسی، دال بر غلبه انسان نوسنگی بر عوامل طبیعی و جلوه‌گری آن در هنر سفال‌گری است. برای هنرمند سفال‌گر، محیط پیرامون و اشیای اطراف، الهام‌بخش آفرینش نقش‌های گوناگون است.

مردم فلات ایران پس از آشنایی با نقاشی روی سفال، از آن برای برقراری ارتباط با محیط اطراف استفاده کردند؛ زیرا یکی از راه‌های ایجاد ارتباط با محیط اطراف به‌شمار می‌رفت و از این طریق با آیندگان نیز ارتباط برقرار می‌کردند. در عهد نوسنگی مسئله آب در نجد ایران، امری حیاتی به‌شمار می‌رفت و به‌وسیله آبیاری مصنوعی، کشاورزی ممکن می‌شد: این مسئله روی نقش‌های سفال‌های منقوش آن زمان تأثیر به‌سزایی داشته است. بنابراین فرضیه این پژوهش بر این است که هنرمند آن زمان برای نشان دادن اهمیت این مایه حیاتی از عناصر و کیفیت‌های بصری در بیان مفهوم و هویت پیام مورد نظر که همان ارج‌نهادن به آب و اهمیت آن در زندگی به خلق اثر پرداخته‌اند. هنر نوسنگی با فاصله‌گرفتن از طبیعت‌گرایی، به مرور خلاصه‌تر شده و ماهیتی انتزاعی و نمادین می‌یابد و سفال‌گر با نمادینه‌کردن و علامت‌گرایی به بیان منظور و بیان مطلبی خاص بر سفالینه‌ها پرداخته است.

یکی از مؤثرترین روش‌ها بیان تصویری، ارتباط تصویری (گرافیک) است. در این پژوهش با تجزیه و تحلیل نقوش سفال پیش از تاریخ (جام شوش) و مفهوم گرافیکی آن‌ها و یافتن اشتراکاتی مبنی بر اصول گرافیک معاصر می‌توان به ارزش گرافیکی نقوش جام شوش پی‌برد. هدف اصلی این پژوهش شناخت ساختار و مفهوم نقوش یک جام شوش (متعلق به عهد نوسنگی) از زاویه، با تکیه بر قوانین و ضوابط بصری آثار تجسمی معاصر است.

سؤالات این پژوهش بدین شرح است: ۱- آیا نقوش ترسیم شده روی جام شوش چهارهزار سال با آموزش‌ها و قوانین هنرهای امروزی تطبیق دارد؟ ۲- آیا پیوستگی بین شکل و محتوا در این اثر تاریخی از منظر نشانه‌شناسی رعایت شده است؟

معرفی جام شوش

«جام سفالی نخودی‌رنگ شوش، متعلق به هزاره چهارم پیش از میلاد به ارتفاع ۲۹ سانتی‌متر و قطر دهانه ۱۶/۴ سانتی‌متر، فرم آن به شکل دوار و سطح خارجی مزین به نقوش هندسی و حیوانی سیاه‌رنگ بر روی زمینه نخودی‌رنگ است که در موزه لوور فرانسه نگهداری می‌شود. نقوش جام، عبارت است از: ردیفی از پرندگان باتلاقی با گردن‌های بسیار بلند به تعداد زیاد و پشت سر هم در قسمت لبه ظرف بین خطوط نواری؛ یک ردیف شامل سه سگ شکاری به حالت خوابیده به صورت موجی‌شکل در گردن ظرف، بین دو ردیف خطوط کمربندی و نقش بزکوهی ریش‌دار با شاخ‌های بسیار بلند و دوار در محدوده مرکز و در دو طرف ظرف. باستان‌شناسان تاریخ ایلام را به چهار دوره مقدم، کهن، میانه و جدید تقسیم کرده‌اند. جام

سفالی با نقش بز کوهی به دست آمده از سرزمین ایلامی (شوش) یکی از آثار باستانی معروف و مربوط به دوره میانه است. سازندگان این جام در چهارهزار سال پیش از میلاد، با هنرمندی بسیار، تنها با چند شکل هندسی ساده توانسته اند نقوش بسیار زیبایی را خلق کنند.» (محمدپناه، ۱۳۹۰: ۲۷، ۲۹).

استفاده از نقوش جانوری و هندسی در هنر ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است، و در این میان اوج انتزاعی‌ترین این هنر را بر شکل‌گیری نقش بز بر سفالینه جام شوش می‌توانیم مشاهده کنیم «این جام در یکی از دشت‌های مهم نجد ایران به نام دشت خوزستان یا همان سوزیانیای قدیم که برای زندگی عصر نوسنگی مناسب بوده، ساخته شده است. در همین دشت بود که بزرگ‌ترین شهر پایتخت یعنی شوش بنا شد. مسئله آب در نجد ایران در همه ازمینه، امری حیاتی به‌شمار می‌رفت و به‌وسیله آبیاری مصنوعی، کشاورزی ممکن می‌شد و در هر جاکه امکان آبرسانی باشد، محصول فراوان به‌وجود می‌آید. از زمان‌های ماقبل تاریخ، این سرزمین با وسایل مصنوعی آبیاری می‌شد و در عهد هخامنشی شبکه وسیعی از راهروهای زیرزمینی (قنات یا کاریز) موجود بوده است.» (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۵)

«در عهدی که آن را بین ده‌هزار تا پانزده‌هزار سال ق.م حدس زده شده، تغییر تدریجی آب و هوا صورت گرفت. عهد بارانی از بین رفت و عهدی که اصطلاحاً آن را عهد خشک نامند و هنوز هم ادامه دارد، جانشین آن گردید؛ به‌همین سبب در همه ازمینه، در نجد ایران مسئله آب امری حیاتی به‌شمار رفته است.» (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۹، ۱۰).

توجه به مسئله آب، بر شکل‌گیری نقش‌های سفال‌های منقوش آن زمان، تأثیر به‌سزایی داشته است. آب در این منطقه، نیاز اولیه برای زندگی به‌شمار می‌رفت؛ زیرا شکل‌ها و عناصر نقش‌بسته روی سفال‌ها، مثل ماه یا بز یا شاخ و غیره، هر کدام به مفهوم و نماد آب و مسئله کشاورزی اشاره غیرمستقیم دارند. هنرمند آن زمان برای نشان‌دادن اهمیت این مایه حیاتی و وابستگی انسان به آب در چگونگی ترسیم عناصر، به بزرگ‌تر نشان‌دادن این نمادها یا ترسیم کردن این نقوش در کانون و مرکز سفالینه‌ها، متوسل شده است. او سعی داشته با خلاصه کردن تصاویر و استفاده از فرم‌های ساده و رعایت اصول ترکیب‌بندی، با دنیای اطرافش ارتباط برقرار کند، این شیوه امروز هم در طراح گرافیک مدرن کاربرد دارد و یکی از روش‌های موثر و ساده برای بیان تصویری، شاخه گرافیک است. با کمی تفکر در خصوصیات نقوش سفال پیش از تاریخ و نیز در مفهوم گرافیک و یافتن مشابهت‌های آن‌ها، می‌توان به ارزش گرافیکی نقوش مذکور پی برد.

گرافیک زبان تصویری است که برای ایجاد ارتباط دیداری و انتقال پیامی خاص، از نشانه‌های بصری بهره می‌برد. شکل (فرم) اساس یک اثر گرافیکی است که وظیفه اصلی انتقال پیامی که اثر را به‌عهده دارد. جهت کشف معانی عام فرم‌ها در آثار گرافیکی باید به جست‌وجوی اشتراکات بصری اشیا پرداخته شود. در خلق آثار گرافیکی، اغلب سعی بر خلاصه‌سازی و خلاصه کردن و گاه مبالغه کردن فرم‌هاست؛ زیرا تصاویر خلاصه‌تر توانایی ارتباطی بیشتری دارند. در نقوش جام شوش نیز مشابهتی با این خصوصیات گرافیکی جهت استفاده از فرم‌های ساده در برقراری ارتباط با دنیای اطراف دیده می‌شود. برخورد یکسان هنرمند دوران باستان و طراح گرافیک امروز با جهان پیرامونی نشان از ریشه‌های مشترک دارد. شکل‌ها در نقوش جام شوش، متجلی راز زیستن و الهام از طبیعت توسط هنرمند چهار هزار سال (ق.م) است که با توانایی شناخت و قدرت درک، حکایت زمان خود را بیان می‌دارد (تصویر ۱). نقش‌ها و نمادهای استفاده شده در کنار عناصر تجسمی در راستای بیان محتوای اهمیت آب به کار رفته است.

نمادها و نشانه‌ها حامل‌های انتقال پیام هستند. آن‌ها از طریق حواس انسان درک می‌شوند و به چیزی بیرون از خودشان که مورد توافق یک جامعه است، دلالت می‌کنند. هر نشانه از دال و مدلول شکل گرفته است. در حوزه هنرهای دیداری، دال شکل دیده شده و مدلول معنایی است که دال موجب پدید آمدن آن در ذهن مخاطب می‌شود. بنابر این نشانه‌ها از یک سو جنبه فیزیکی دارند، که همان شکل آن‌هاست و از سوی دیگر جنبه روانشناختی دارند که از آن‌ها به تعبیر یاد می‌کنند. آن چنان که گفته شد، در مسیر ایده یابی باید درونمایه، پیام یا اسم را به یک نشانه تبدیل کرد. نشانه‌ای که دارای دو جنبه مهم شکلی و مفهومی است. پس هر نوع تداعی و تغییر شامل هر دو جنبه شکلی و مفهومی خواهد شد. (نیرومند ۱۳۸۹: ۱۶)

انواع شکل‌های جام شوش

ماه: با توجه به موقعیت برجسته «ماه» در طرح سفالینه‌ها، معلوم می‌شود که ماه مقام اول اهمیت را در آن دارد. مکان قرارگیری ماه، تقریباً در مرکز کادر، روی جام است که از لحاظ بصری کانون توجه است. مهم بودن شکل ماه و مقدم بودن این شکل، نشان از اعتقاد و باورهایی دارد که با صفات ماه در ارتباط است (تصویر ۲).

هم‌بستگی موضوع ماه و باران عمیقاً در فرهنگ عامه بسیاری از اقوام جایگزین شده بود. «هاله» دور ماه (بر اثر اشباع بخار آب در هوا) تقریباً به‌طور مسلم علامت باران است و آب امری حیاتی در آن سرزمین که مردمان به کشاورزی و دامداری می‌پرداختند، به‌شمار می‌رفت» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵). در اوستا نیز از ماه به‌عنوان سرچشمه حیات ذکر شده است، «همچنین رابطه زن و ماه، به رابطه زن با باروری که از ابتدای تفکر بشر وجود داشته است، باز می‌گردد» (رضی، ۱۳۷۱: ۱۲۹). «ماه افزون‌براهمیتش در گاه‌شماری، در امر اقتصاد عمومی نیز از اهمیت محوری برخوردار بود» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵).

درون نقش ماه جام شوش، طرح گیاهی دیده می‌شود که مؤید ارتباط معنایی و مفهومی میان این گیاه و ماه است که خنکی و باران و سایه آرامش‌بخش درخت به همراه دارد. طبیعی است که باران و برف عامل رویش گیاه و در نتیجه عامل ادامه حیات به‌شمار می‌رفته است. ماه، آب و باران و زندگی به همراه دارد. از عهد نوسنگی تا دوران‌های اشکانی و ساسانی نمادهای گیاهی مختلفی مربوط به ماه و آب وجود داشته است که هر کدام بر اساس موقعیت جغرافیایی و اعتقادات آن زمان سعی در بیان مفهوم مشترک را دارند.

مانند منظومه «درخت آسوریک» که از مشهورترین آثار مکتوب‌باز مانده ایران باستان و به زبان پهلوی اشکانی است و شرح مناظره حیوان «بز» و درخت «نخل» است. در تحلیل این منظومه کهن، گروهی از محققان «نخل» را نماد جامعه کشاورزی و «بز» را نماد جامعه شهری دانسته‌اند. این گیاه که در ایران باستان به خاطر زیبایی، مقاومت و برکت درخت زندگی لقب داشته، به حدی با توجه و تکریم ایرانیان روبه‌رو بوده که در اکثر هنرهای ایران قبل از اسلام تصویر و تأثیر آن را می‌توان مشاهده کرد. از جمله در ادبیات ساسانی و متون دینی مزدیسنايي اشاره‌های فراوانی به نخل شده و یکی از معروف‌ترین آن‌ها، منظومه‌ای است به نام درخت آسوریک که مناظره یا رجزخوانی بین نخل و بز است. نخل در این مناظره نماد زندگی پیش‌رفته و (زندگی کشاورزی) و بز نماد زندگی عقب‌افتاده‌ی بیابان نشینی و صحرا گردی است. در این مناظره، درخت خرما و بز درباره‌ی سودها و هنرهای خود داد سخن می‌دهند. (زبان متن، پهلوانیک پارتی یا اشکانی است. الفبا و هنر وارث‌های (خط) آن ساسانی است. ناگزیر، باید اصل آن نخست سینه به سینه روایت و سپس در زمان ساسانیان به صورت نوشته درآمده باشد. بنابر این قدمت منظومه‌ی درخت



تصویر ۱. طرح گسترده انواع شکل‌ها روی جام، نگارنده

آسوریک خیلی پیش تر از عصر ساسانیان است.) سخن نخل به ویژه پراثر است و بز را نهایتاً مجاب و خوار می کند، به عبارت دیگر فواید زندگی کشاورزی بر زندگی شبانی نهایتاً چیره می شود. اما دکتر احمد تفضلی در کتاب تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام می نویسد: «سرانجام به زعم شاعر (بند ۵۴ شعر)، بز پیروز می شود... به نظر بعضی، این مفاخره، نشان دهنده‌ی معاوضه‌ی میان دو جامعه‌ی دینی مختلف است، یعنی بز نماینده‌ی دین زردشتی و نخل نماینده‌ی دین کفرآمیز آشوری و بابلی است که در آن، آیین پرستش درخت نقش مهمی بر عهده داشته است» (تفضلی، ۱۳۷۵: ۲۵۷). همچنین در دوران بعدی نیز این نماد جایگاه مقدس خود را داشت؛ مثلاً در اوستا نیز یکی از صفات ماه «سبزی رویاننده» به شمار می رود و ماه سرچشمه و ناظر بر زندگی و زاینده‌ی بر زمین دانسته شده است. در آثار اوستایی- ودایی آمده است که رویش و نمو گیاهان، زایش و بالش مردم، نعمت و برکت و کاستی و فزونی آب، بستگی به ماه دارد و تخمه‌ی گیاهان و رویش در ماه است (رضی، ۱۳۷۱: ۱۲۹). از این رو، پیشینیان معتقد بودند که شیرۀ درختی به نام درخت ماه یا «هوم» (Haoma) یا «سوما» یا «سومه» که همراه با ماه ترسیم می شد، عصاره‌ی زندگی است (صمدی، ۱۳۶۷: ۴۳). «در اساطیر باستان هند، نیز خدای زندگی را «سوما» نامیده‌اند» (آموزگار، ۱۳۷۴: ۳۰). این خدا در واقع تجسد باران است که از ماه به زمین می ریزد و باعث رشد گیاهان می شود و غذای انسان و حیوان را فراهم می آورد. همان گونه که در تصویر ۳ مشاهده می شود این گیاه، از ۷ پر تشکیل شده است که عددی رازآمیز شمرده می شده است. هفت واحدی که این درخت را تشکیل می دهد، «اشاره‌ای به آسمان هفت گانه دارد و معادل زمان تکامل ماه در آسمان بوده و ممکن است دوره‌ی هفت‌شبی تربیع ماه باشد» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۸، ۱۰۴۷).

بز کوهی: در شوش و ایلام باستان، بز کوهی نمادی از کامیابی و نیز خدای زندگانی گیاهی به شمار می رفته است. آنان معتقد بودند که میان بز کوهی با شاخ‌های خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود دارد و شاخ‌های قوسی شکل بز کوهی می تواند باعث بارش باران شود؛ بنابراین هر جا بز کوهی دیده شود نشان از آب و گیاه می دهد» (مهرآز، پیشین: ۲۲). «ارتباط شکل بز با ماه نیز در نجوم سنتی و عامیانه، که یک ماه از سال را به نام جدی (بزغاله) نام گذاری کرده بودند، مشهود است» (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۶).

حیوانات شاخ‌دار در ابتدا به لحاظ شباهت ظاهری شاخ با هلال ماه، از نمادهای ماه محسوب می شدند. «بز کوهی جام سفالی شوش با شاخ‌هایی بزرگ‌تر از اندازه معمول و درست شبیه هلال ماه ترسیم شده است.» (صمدی، ۱۳۶۷: ۲۱). نحوه طراحی شاخ‌ها نشان از اهمیت اصلی نقش آن‌ها داشته است که به حد مبالغه آمیزی بزرگ نشان داده شده‌اند. در جام شوش، دو شاخ تقریباً به هم رسیده و به صورت نیم‌رخ طراحی شده‌اند تا شباهتشان به هلال ماه کاهش یابد و در شب‌های آخر ماه بارزتر شود. از دیگر دلایل اهمیت نقش بز برای مردمان چهار هزار سال ق.م، این است که «این حیوان پر زور از دیرباز مرکز قدرت به شمار می رفته و همواره حیوان جلودار رمه بوده است. به همین سبب مأنوس و مهم به شمار می رفته است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰). گاه بر سفالینه‌های باستان نقش خدایی نیز داشته است. (تصویر ۴) بدن جانور همچون جفتی مثلث طرح شده است. این علامت مختص آسمان است که گویی در آن زمان، علامت وابسته به ماه گردیده بود (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۶).

سگ: «سگ شکاری در اساطیر جهان با ماه پیوندی تنگاتنگ دارد» (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۷). «نقش این حیوان بر سفالینه‌ها نماد آب بوده است» (یاوری، ۱۳۶۵: ۱۲۷). سگ چون موجودی



تصویر ۲. شکل ماه بر جام شوش منبع: فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر (بهناز عبداللهیان)



تصویر ۳. گیاه هوم، نقش شده درون ماه برجام شوش، منبع: فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر (بهناز عبداللهیان)



تصویر ۴. شکل بزکوهی بر جام شوش، منبع: فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر (بهناز عبداللهیان)

بدخیم یا ستیزه‌جو نیست و برعکس در تفکر ضبط‌شده ایرانیان، همواره عزیز، همدم، دلیر، با وفا، فداکار، قانع، بی‌باک و دارای نیروی بویایی و شنوایی قوی است (پورداد، ۱۳۶۳: ۲۰۴). در امور اقتصادی یار و یاور بودن سگ در پاسبانی گلهٔ گوسفندان و زیستگاه‌ها مایهٔ آسایش بوده است و بیماری را از خانه دور می‌کند.

علت ترسیم شکل سگ در بالای جام این احتمال را به وجود می‌آورد که «سگ نیز نماد ابرها یا شاید نوع متمایزی از ابر بوده است» (همان منبع، ۲۱۱). همین ارتباط معنایی سگ با ابر، سبب قرارگیری سگ به عنوان جایگاه ابر در آسمان در بالای جام شده است.

لک‌لک: این نوع از پرندگان آبی، بر لبهٔ بالایی جام، در حالت صف کشیده به شکل حلقه‌های زنجیر نشان داده شده‌اند. پرندگان دریا بر روی سفالینه‌های این عصر، غالباً روی خطوط موج‌دار افقی و عمودی به نشانهٔ آب نقش شده است. در متنی متأخر از آثار مانوی، پرندگان چون «ارواح» آنگیز کیهانی به وصف درآمده‌اند. پنداشت منطقی‌تر این است که پرندگان مظهر ابرها بوده‌اند و تداعی میان پرنده و ابر، امری کاملاً بدیهی و تقریباً اجتناب‌ناپذیر است. نقش مرغان دراز‌پا که در مرداب‌ها زندگی می‌کنند، اشاره‌ای به اهمیت آب است و «ارتباط لک‌لک با آب، این پرنده را با باروری مربوط می‌سازد» (وارنر، ۱۳۸۶: ۵۳۷). لک‌لک، مظهر آبستنی، احترام فرزندی، تولید مثل، طول عمر و قاصد خوشبختی است. ارتباط این پرنده با آب آن را با ماه نیز مرتبط می‌سازد (حبیبی، ۱۳۸۱: ۱۲۰).

تجزیه و تحلیل عناصر و کیفیت‌های بصری تصاویر جام شوش

بهترین شیوه برای تحلیل و فهم اثر، تجزیه آن به عناصر تشکیل‌دهندهٔ اولیهٔ آن است. عناصر بصری بنیادی که اساس کلیهٔ پدیده‌های دیداری، از جمله آثار هنر بصری را تشکیل می‌دهند، شامل نقطه، خط، شکل، بافت، رنگ‌سایه و رنگ هستند. تأثیر متقابل این عناصر با توجه به مقیاس و فضای مطرح‌شدن عناصر، موجب وحدت بصری یک کار کامل می‌شوند (پاکباز، ۱۳۷۸: ۳۵۹). این عناصر، مادهٔ خام تمام اخبار بصری هستند و به شکل‌های مختلف با یکدیگر ترکیب و تلفیق می‌شوند. انتخاب این عناصر و طرز تأکید بر برخی از آن‌ها در یک اثر بصری، به ساخت و نوع کار بستگی دارد و با تغییر یکی از آن اجزاء، کل دستگاه نیز دچار تغییر و دگرگونی می‌شود.



تصویر ۵. سگ شکاری بر لبه بالایی جام شوش، منبع: فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر (بهناز عبداللهیان)



تصویر ۶. ردیف پرندگان بر جام شوش، منبع: فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر (بهناز عبداللهیان)

جدول ۲. کیفیت‌های بصری نقوش جام

توضیحات	نماد مشابه	عناصر بصری هنرهای تجسمی روی نقوش جام	توضیحات	طرح	عناصر بصری هنرهای تجسمی
<p>دایره بیش از شکل هندسی دیگری در آنچه با حرکت و پویای سر و کار پیدا می‌کند حضور دارد. استفاده از وجود دایره در اولین خط‌های ابداع شده توسط انسان و همچنین در اولین کوشش‌های کودکان جهت ایجاد ارتباط با یکدیگر، حتی قبل از اینکه علائم ارتباطی را بیاموزند مشاهده شده است.</p> <p>در دروان باستان حلقه و اصولاً دایره همواره شکل مقدسی بوده است. "در آیین میتراییسم، حلقه، خود نمادی از چرخ است. مقدس و نشانه پیمان ناگسستنی و اتحاد و وابستگی است. از سوی دیگر حلقه که نشان ویژه میترای بود بی گتمن بایستی از هاله‌ی نو خورشید گرفته شده باشد، دایره ای از نو که ایزد مهر را محاط می‌ساخت، زیرا وی ایزد نور و روشنائی بود" (رضی، ۱۳۷۱: ۳۹۱). در تعاریف دیگر محققان اینگونه شکل دایره را تعریف می‌کند: "حلقه همچنین نشان معرفت و حکمت و روحانیت و مهربانی و عطوفت است و عموماً دایره نماد کائنات است، چرا که گیتی و عالم محصور در دایره است" (ارجمند، ۱۳۳) "حلقه نشان سلطنت نیز شناخته شده است" (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۹)</p> <p>در جایی دیگر آرتور اپهام پوپ در بررسی فهرست آثار موجود از دوره عیلام میانه، نماد دایره و ارتباط آن با ماه و زنانگی را در نظر اول راز آمیز می‌داند (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۰۳۹)؛ زیرا در مبانی هنرهای تجسمی دایره، نماد زنانگی و مادینه به شمار می‌آید؛ و ارتباط زنانگی با باروری، و تداعی آشکار میان دو از همان سبب دیم تفکر بشر به حصول پیوسته بود، و ایزد بانوی باروری با مراحل کم و بیش تحول یافته خود از دیرباز وجود داشته، و از آن دوره بر آسمان جای گرفته بود. در تحلیل نقوش دایره بر جام شوش، زن که همان نماد باروری است، در ارتباط با ماه تجسم یافته است. که نماد ماه همان "پاران" «فرستاده شده» با واسطه هاله دور ماه، ضامن وجود زمین پر محصول و بارور شناخته شده" (رضی، ۱۳۷۱: ۳۹۱)</p>	<p>ماه وهاله ی اطراف</p>  <p>نقش بز، بنام ماه وهاله اطراف، خیمه سفالی، تپه حصار، دامغان،</p> <p>طبقه اول دوران کالکوتیک قدیم و متوسط، 34000-4200 ق.م</p> <p>ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹</p>   <p>نقش ماه و گیاه هوم، ظرف سفالی، شوش،</p> <p>خوزستان، طبقه اول دوران کالکوتیک قدیم و متوسط، 34000-4200 ق.م</p> <p>ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹</p>	<p>نقش بز، بنام ماه وهاله اطراف، خیمه سفالی، تپه حصار، دامغان،</p> 	<p>در علم طراحی و گرافیک قرا گرفتن هر شکل و فرم، معنای ویژه ای را القا می‌کند. آشنا بودن به خواص شکل‌ها، باعث خواهد شد معنا و مفهومی که طراح از طریق زبان تصویر و هنرهای تجسمی قصد بیان آنرا داشته را بهتر درک نماییم.</p> <p>سطح سومین عنصر اولیه تصویری و تجسمی است که دارای واقعیت دو بعدی طول و عرض است. و همچنین فضای بین دو خط موازی، از تعاریف دیگر سطح، فضای بین حداقل سه نقطه که در آنجا سطح به صورت نامرئی قابل درک می‌باشد. همه‌ی سطح‌ها از سه شکل هندسی دایره، مربع، مثلث یا ترکیبی از آن‌ها به وجود می‌آیند. این شکل‌ها هر یک از خصوصیات قابل مطالعه ای دارند (حلیمی، ۱۳۸۸: ۸۸)</p> <p>عنصر سطح بر روی نقوش جام شوش به وضوح قابل تشخیص است، که سطح‌های موجود بر جام به شکل دایره در بخش مرکزی جام و به شکل مثلث در ترسیم بدن بز، همچنین اگر مربع را مستطیلی بدانیم که همه زوایای آن برابر و دو ضلع آن بزرگتر باشد، نیز شکل مربعی درون دایره دیده می‌شود، که هر کدام از این اشکال با توجه به خصوصیات ساختاری حامل مفاهیمی هستند که گویا هنرمند چهار هزار سال پیش از میلاد سعی در برقراری ارتباط میان سطوح هندسی پایه، با هدف انتقال معانی مورد نظر داشته که در ادامه به تحلیل این سطوح و موقعیت آن‌ها بر جام شوش پرداخته شده است.</p> <p>دایره نماد نرمی، لطافت، سیالیت، تکرار، درون‌گرایی، آرامش روحی و آسمانی، پاکی و صمیمیت، زنانگی نماد حرکت جاودانه، تکرار و تبدیل، شب و روز، زوج و فرد، خیر و شر، بالا و پایین است. تحول و تکامل مربع به دایره در ماندلا و نماد جهان نزد هندوها یا بوداییان که به معنی دایره است، نمادی از عبور از زمین و رفتن به آسمان است.</p> <p>www.kchuast.ac.ir/khalagh.pdf</p>	 <p>دایره</p>	<p>سطح و انواع سطح</p>

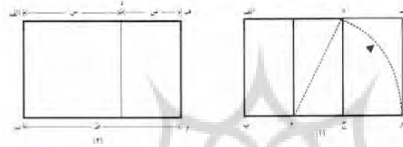
<p>در نقش جام مربع به مثابه زمین زراعتی و نشانه‌ای از عالم مادی محصور در دایره که نماد کائنات و آسمان است دیده می‌شود. امروزه در تحلیل ساختاری اشکال هندسی دایره را کامل‌ترین شکل به شمار می‌آورند، چرا که شکل های دیگر هندسی چون مربع و مثلث در آن محاط می‌گردند، شاهد این مدعا در الگویی است که "نوسط لئوناردو داوینچی در عصر رنسانس به هدف ارائه مدلی خلاصه و کامل جهت شناخت جهان با طراحی از یک پیکره در حال حرکت و سکون در دو شکل کامل هندسی، مربعی که درون دایره جایگزین شده است نشان داده" (جنسن، ۱۳۸۸: ۵۵۴). و این الگو در بسیاری از علوم و فنون و هنرهای گوناگون از جمله معماری مورد استفاده قرار گرفته است.</p>	<p>زمین</p>  <p>نقش زمین کشاورزی، ظرف سفالی، شوش، خوزستان، طبقه اول دوران کالکوتیک قدیم و متوسط، ۳۵۰۰ ق. م.</p> <p>ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹</p>	 	<p>مربع یکی از اشکال هندسی است که بیش از هر شکل دیگر و به عنوان جهانی‌ترین صورت در زبان نمادها به کار گرفته شده است. مربع شکلی نیست که صرفاً در میان نمادها رواج داشته باشد. این شکل پر رمز و راز و ثبات‌گرا همراه با مستطیل که خود زاینده آن است، معماران و هنرمندان زیادی از سراسر جهان را در طول تاریخ الهام بخشیده و آنان را به ابداع سطوح و ساخت‌های سه بعدی واداشته است. مربع، همراه با دایره، مثلث متساوی الاضلاع و صلیب (نشأت گرفته از خود مربع) یکی از بنیادی‌ترین شکل‌های نمادین به شمار می‌رود. مربع شکل عمده مربوط به مکان است، همان گونه که دایره و بخصوص مارپیچ، شکل اصلی مربوط به زمان می‌باشد. در تمدن های ثابت و غیرصحرا گرد، مردمان، خانه ها و پرچین‌های خود را به صورت مربع یا مثلث می‌ساختند در حالیکه مزارع و چادرهای قبایل چادرنشین و صحرا گرد دایره‌ای شکل می‌شدند. (اشاره‌ای است که به ثبوت مکان و در حرکت بودن زمان که نمادهای آن‌ها به ترتیب مربع و دایره هستند) پیوستگی میان دایره و مربع بیانگر آسمان و زمین و پیوستگی آن دو است.</p> <p>مربع نماد صلابت، استحکام و سکون است. این شکل مظهر قدرت زمین و مادی است. چهار ضلع مساوی مربع می‌تواند نماد چهار عنصر باد، آب، خاک و آتش یا چهار جهت اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب یا چهار فصل یا چهار مرحله زندگی از کودکی تا جوانی و میانسالی و پیری و یا چهار طبع سردی، گرمی، خشکی و رطوبت باشد. (حسینی راد، ۱۳۸۴: ۳۰).</p>	<p>مربع</p>
<p>نقش بز به شکل مثلث بیان کننده نقش خدایی این جانور در فرهنگ نوستگی است. به گفته پوپ: «این علامت، مختص آسمان، گویی همان زمان دیگر علامت وابسته به ماه گردیده بود. در حقیقت بزکوهی یک ماه جانور است که از دو مثلث شکل گرفته و بر میان صحنه آسمان ایستاده است.» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶)</p> <p>در کتاب <i>دانشنامه اساطیر جهان</i> از ((بز به عنوان نماد چابکی و گاه نشانه اصرار خیره سرانه بر یک روش خاص فردی است و در زبان لاتین این نام معادل واژه دمدمی مزاج است)). (اسماعیل پور، ۱۳۸۶: ۵۱۶).</p> <p>این تعریف از بز به خصوصیات ذاتی مثلث بسیار نزدیک است، چرا که مثلث پویاترین اشکال هندسی است، سطحی مهاجم و سنیزنده به نظر می‌رسد اگر بر یک ضلع خود قرار گیرد شکلی مستحکم با اشاره و حرکتی رو به بالا ولی در صورتی که بر یکی از زاویه هایش قرار گیرد بی ثبات‌ترین و متزلزل‌ترین اشکال می‌شود و می‌توان این تعریف را معادل خصوصیت دمدمی مزاج برا بز دانست.</p>	<p>مثلث</p>  <p>نقش آسمان و ماه ظروف سفالی شوش - خوزستان</p>  <p>نقوش روی ظروف سفالی همدان - ۳۴۰۰-۳۴۰۰ ق م - نماد مثلث</p> <p>ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹</p>		<p>مثلث: مثلث به واسطه زوایای تندی که دارد سطحی مهاجم و شکلی ستیزنده به نظر می‌رسد که همواره در حال تحول و پویایی، دانایی، و خدایی است. (حسینی راد، ۱۳۸۴: ۳۱).</p> <p>نماد سحر آمیز آب یک مثلث وارونه است که نشان دهنده جریان رو به پایین است. مثلث وارونه یکی از کهن ترین نمادهای زنانگی است. آب - یکی از عناصر چهارگانه حیات - سرد و مرطوب است و نمادبست از بینش و شهود، ضمیر ناخودآگاه و در نهایت پدید آورنده نیروهای رحم. (قدرت باروری) مثلث آب، معمولاً بصورت یک جام یا پیاله نمایش داده می‌شود. (http://padena.persianblog.ir)</p> <p>بر جام شوش یک جفت مثلث همچون بدن جانور و یک مثلث کوچکتر برای سر طرح شده است. که نشان دهنده شکل خدایی این جانور می‌باشد.</p>	<p>مثلث</p>

ترکیب‌بندی (Composition) نقوش جام سفالی شوش

«مهم‌ترین کار در حل یک مسئله بصری، کمپوزیسیون یا ترکیب‌بندی آن است. رسیدن به معنای مدنظر در یک عبارت تصویری، بستگی زیادی به نوع ترکیب‌بندی آن دارد. علاوه بر آن ترکیب‌بندی یک اثر در جلب توجه بیننده نیز نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. کسی که می‌خواهد از راه تصویر با دیگران ارتباط برقرار سازد، در این مرحله بسیار حیاتی از کارش بیش از هر مرحله دیگری می‌تواند و باید بر کارش احاطه و نظارت کامل داشته باشد؛ زیرا او برای القای منظورش از بهترین موقعیت برخوردار است.» (داندیس، ۱۳۸۰: ۴۵). در واقع، ترکیب عاملی است

که با سامان بخشیدن مؤثر به چگونگی چیدمان و نظم عناصر بصری در یک فضا و کادر مشخص بر اساس ذهنیت هنرمند و روابط تجسمی، سبب می‌شود تا مخاطبان اثر بتوانند به طرز مؤثری با آن ارتباط برقرار کنند. در جام سفالی شوش، هنرمند سفال‌گر، توانسته است، مفهوم و اهمیت باران و حاصل‌خیزی را به بهترین شکل ممکن با نقوش خود نشان دهد. او همچنین با ترکیب موفق عناصر بصری نقوش جام و انتخاب جایگاه مناسب همه شکل‌ها و ترکیب‌بندی متناسب و متعادل آن‌ها، اجزا را از کل تفکیک‌ناپذیر کند. مطالب بیان شده، گواهی است که هنرمند سفال‌گر در چهارهزار سال پیش به این درک عمیق و ظریف بصری از مفهوم امروزی ترکیب‌بندی رسیده بوده است که در نمایش اثری واحد، پیام بصری را به طرز مؤثر به مخاطب انتقال دهد.

تصویر ۷، تناسب طلایی،
منبع: مبانی هنرهای تجسمی،
حسینی راد، ۱۳۸۴



سمت چپ تصویر ۸،
تناسبات طلایی روی بدن بز



وسط تصویر ۹،
تناسبات طلایی در شکل تمام بدن و شاخ بز،
منبع: نگارندگان
سمت راست تصویر ۱۰،
تناسبات طلایی در کل اندازه جام شوش،
منبع: نگارندگان

تناسب در جام شوش

تناسب در اندازه‌ها از قوانین خاص پیروی می‌کند که به آن‌ها اصول و قواعد تقسیمات طلایی و یا تناسبات طلایی (Golden Section) گفته می‌شود. «بخش‌بندی طلایی، تقسیم‌کردن خط راست را با آفریدن تعادل کامل نسبت‌های کمی ممکن می‌سازد» (مانته، ۱۳۸۷: ۸۸). این نوع تقسیم از نظر بصری و همین‌طور از نظر منطقی، نسبت‌های زیبایی را میان اجزا با یکدیگر و با کل پدید می‌آورد که هم در معماری و هم در هنرهای بصری از آن بسیار استفاده شده است (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۷). بر پایه تجزیه و تحلیل نگارنده بر نقوش جام، تناسب طلایی به صورت دقیق و حرفه‌ای از شکل بدن بز به صورت مجزا تا شکل بدن همراه با شاخ بز و کل اندازه جام شوش رعایت شده است (شکل ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰).

تعادل^۲ و نشان‌دادن این کیفیت بصری بر جام شوش

«یکی از عوامل فیزیکی و فیزیولوژیکی مهم و مؤثر بر حواس انسان، قوه تعادل است؛ بدین سبب به‌طور غریزی برای حفظ تعادل، هنگام دیدن به ساخت محورهای عمودی و افقی نیازمند است» (داندیس، ۱۳۸۰: ۴۹). در طبیعت نیز وجود تعادل نقش بسیار با اهمیت و حساسی دارد و در

کیفیت‌های بصری نقوش جام شوش

عناصر اولیه بصری چون خط حجم و نقطه و مانند اینها بدواً بدون کاربرد در شرایط یا کیفیت بصری مناسب یا «ترکیب» مناسب با سایر عناصر فاقد جلوه تجسمی خاصی هستند. هر ترکیبی که بدین‌گونه ایجاد گردد، به‌منزله یک « طرح بصری» شناخته می‌شود. کیفیت‌های بصری، بسیار متعدد و متنوع هستند و ترکیب عناصر تجسمی با توجه به کیفیت بصری و خصوصیات مختلف ایجاد می‌شود. از کیفیت‌های بصری می‌توان به شکل، تعادل، تناسب، کنتراست یا تباین، ریتم، حرکت، تعادل، توازن، ترکیب‌بندی، بافت و رنگ نام برد. در این مقاله سعی شده است این کیفیت‌ها روی نقوش جام شوش بررسی شود.

شکل

یک شکل به لحاظ بصری به صورت فضایی که توسط خطوط یا لبه‌ها احاطه شده است درک می‌شود. در قالب یک عکس یا شمایل، شکل نسبت به محیط پیرامون آن مشاهده و به واسطه خطوط مرزی و الگوهای ساختاری آن مشخص می‌شود. این الگوها و خطوط مرزی نقش اصلی را برای درک ما از آنچه یک شکل به تصویر می‌کشد ایفا می‌کنند. شکل وقتی حامل پیام و مفهوم باشد در جایگاه کیفیت قرار دارد زیرا فقط یک عنصر و ماده خام نیست و خود را در قالب شکلی خلاصه و مجزا از شکل طبیعت‌گرای خود قرار داده که در این مرحله به عنوان نمادها و سمبل‌ها می‌توان از آن شکل یاد کرد.

در هنرهای تجسمی به‌کارگیری واژه شکل برای بیان حالت و ویژگی‌های تصویری بسیار متنوع است. به‌طور کلی شکل هم به سطح دو بعدی و هم به حجم و هم به نمایش تصویری شکل‌ها و حجم‌ها گفته می‌شود. انواع شکل‌ها یا هندسی و ساده هستند، مثل دایره، مثلث و مربع و یا تلفیقی از این شکل‌های ساده هستند، مثل شکل سنگ‌ها و درختان و حیوانات. هنرمندان می‌توانند از طریق شکل‌ها و ترکیب آن‌ها در یک اثر تجسمی موضوعات، معانی و احساسات مدنظر را به بیننده منتقل کنند.

«در طراحی برای آن که بتوانیم بهتر با بیننده ارتباط برقرار کنیم، می‌توانیم شکل‌های طبیعت‌گرایانه را به‌صورت شکل‌های مجزا به کار ببریم. تمام تصاویر طراحی‌شده، در واقع خلاصه‌ای از واقعیت هستند. در فرآیند خلاصه‌سازی و مجزا کردن تصاویر از محیط پیرامون، طراح به‌صورت انتخابی یا بر مبنای شرایط، برخی جزئیات جزئیات غیرضروری را حذف می‌کند و تنها ویژگی‌های اصلی یا مشخصات ساختاری اشیای مدنظر را به تصویر می‌کشد. بنابراین خلاصه‌سازی و مجزا کردن اشیا از محیط پیرامون در درجات مختلفی امکان‌پذیر است. با استفاده از روش‌هایی مانند اغراق و بزرگ‌نمایی می‌توانیم یک یا چند مشخصه شی را در نگاه ناظر برجسته کنیم. این انحراف آگاهانه در نهایت می‌تواند با حذف کاستی‌ها و نقایص موجود در آنچه که مشاهده می‌کنیم، به شکل‌گیری تصاویر ایده‌آل‌شده از اشیا با حفظ ویژگی‌های ظاهری شی اصلی منتهی می‌شود.» (چینگ، ۱۳۸۸: ۸۵).

جدول ۲. کیفیت‌های بصری نقوش جام

عناصر بصری هنرهای تجسمی	طرح	توضیحات	عناصر بصری هنرهای تجسمی روی نقوش جام	نماد مشابه	توضیحات
سطح و انواع سطح		در علم طراحی و گرافیک قرا گرفتن هر شکل و فرم، معنای ویژه ای را القا می‌کند. آشنا بودن به خواص شکل‌ها، باعث خواهد شد معنا و مفهومی که طراح از طریق زبان تصویر و هنرهای تجسمی قصد بیان آنرا داشته را بهتر درک نماییم.	ماه وهاله‌ی اطراف	دایره همیشه از شکل هندسی دیگری در آنچه با حرکت و پویای سر و کار پیدا می‌کند حضور دارد. استفاده از وجود دایره در اولین خط‌های ابداع شده توسط انسان و همچنین در اولین کوشش‌های کودکان جهت ایجاد ارتباط با یکدیگر، حتی قبل از اینکه علائم ارتباطی را بیاموزند مشاهده شده است.	
دایره		سطح سومین عنصر اولیه تصویری و تجسمی است که دارای واقعیت دو بعدی طول و عرض است. و همچنین فضای بین دو خط موازی، از تعاریف دیگر سطح، فضای بین حداقل سه نقطه که در آنجا سطح به صورت نامرئی قابل درک می‌باشد. همه‌ی سطح‌ها از سه شکل هندسی دایره، مربع، مثلث یا ترکیبی از آن‌ها به وجود می‌آیند. این شکل‌ها هر یک از خصوصیات قابل مطالعه‌ی دارند (حلیمی، ۱۳۸۸: ۸۸)	نقش بز، بنام ماه وهاله اطراف، خیره سفالی، تپه حصار، دامغان، طبقه اول دوران کالکوتیک قدیم و متوسط، -34000 ق. م. 4200 ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹	در دروان باستان حلقه و اصولا دایره همواره شکل مقدسی بوده است. "در آیین میتراییسم، حلقه، خود نمادی از چرخ است. مقدس و نشانه پیمان ناگسستنی و اتحاد و وابستگی است. از سوی دیگر حلقه که نشان ویژه‌ی میترای بود بی گتمن بایستی از هاله‌ی نو خورشید گرفته شده باشد، دایره‌ای از نو که ایزد مهر را محاط می‌ساخت، زیرا وی ایزد نور و روشنائی بود" (رضی، ۱۳۷۱: ۳۹۱). در تعاریف دیگر محققان اینگونه شکل دایره را تعریف می‌کند: "حلقه همچنین نشان معرفت و حکمت و روحانیت و مهربانی و عطف است و عموماً دایره نماد کائنات است، چرا که گیتی و عالم محصور در دایره است" (ارجمند، ۱۳۳) "حلقه نشان سلطنت نیز شناخته شده است" (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۲۶۹)	
		عنصر سطح بر روی نقوش جام شوش به وضوح قابل تشخیص است، که سطح‌های موجود بر جام به شکل دایره در بخش مرکزی جام و به شکل مثلث در ترسیم بدن بز، همچنین اگر مربع را مستطیلی بدانیم که همه زوایای آن برابر و دو ضلع آن بزرگتر باشد، نیز شکل مربعی درون دایره دیده می‌شود، که هر کدام از این اشکال با توجه به خصوصیات ساختاری حامل مفاهیمی هستند که گویا هنرمند چهار هزار سال پیش از میلاد سعی در برقراری ارتباط میان سطوح هندسی پایه، با هدف انتقال معانی مورد نظر داشته که در ادامه به تحلیل این سطوح و موقعیت آن‌ها بر جام شوش پرداخته شده است.	نقش ماه و گیاه هوم، ظرف سفالی، شوش، خوزستان، طبقه اول دوران کالکوتیک قدیم و متوسط، -34000 ق. م. 4200 ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹	در جایی دیگر آرتور اپهام پوپ در بررسی فهرست آثار موجود از دوره عیلام میانه، نماد دایره و ارتباط آن با ماه و زنانگی را در نظر اول راز آمیز می‌داند (پوپ، ۱۳۷۸: ۱۰۳۹)؛ زیرا در مبانی هنرهای تجسمی دایره، نماد زنانگی و مادینه به شمار می‌آید؛ و ارتباط زنانگی با باروری، و تداعی آشکار میان دو از همان سپیده دم تفکر بشر به حصول پیوسته بود، و ایزد بانوی باروری با مراحل کم و بیش تحول یافته خود از دیرباز وجود داشته، و از آن دوره بر آسمان جای گرفته بود. در تحلیل نقش دایره بر جام شوش، زن که همان نماد باروری است، در ارتباط با ماه تجسم یافته است. که نماد ماه همان "پاران" «فرستاده شده» با واسطه هاله دور ماه، ضامن وجود زمین پر محصول و بارور شناخته شده" (رضی، ۱۳۷۱: ۳۹۱)	

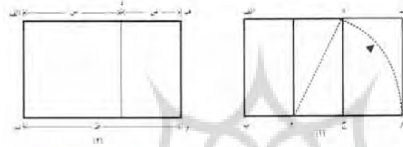
<p>مربع</p>	<p>مربع یکی از اشکال هندسی است که بیش از هر شکل دیگر و به عنوان جهانی‌ترین صورت در زبان نمادها به کار گرفته شده است. مربع شکلی نیست که صرفاً در میان نمادها رواج داشته باشد. این شکل پر رمز و راز و ثبات‌گرا همراه با مستطیل که خود زائیده آن است، معماران و هنرمندان زیادی از سراسر جهان را در طول تاریخ الهام بخشیده و آنان را به ابداع سطوح و ساخت‌های سه بعدی واداشته است. مربع، همراه با دایره، مثلث متساوی الاضلاع و صلیب (نشأت گرفته از خود مربع) یکی از بنیادی‌ترین شکل‌های نمادین به شمار می‌رود. مربع شکل عمده مربوط به مکان است، همان گونه که دایره و بخصوص مارپیچ، شکل اصلی مربوط به زمان می‌باشد. در تمدن‌های ثابت و غیرصحرا گرد، مردمان، خانه‌ها و پرچین‌های خود را به صورت مربع یا مثلث می‌ساختند در حالیکه مزارع و چادرهای قبایل چادر نشین و صحرا گرد دایره‌ای شکل می‌شدند. (اشاره‌ای است که به ثبوت مکان و در حرکت بودن زمان که نمادهای آن‌ها به ترتیب مربع و دایره هستند) پیوستگی میان دایره و مربع بیانگر آسمان و زمین و پیوستگی آن دو است.</p> <p>مربع نماد صلابت، استحکام و سکون است. این شکل مظهر قدرت زمین و مادی است. چهار ضلع مساوی مربع می‌تواند نماد چهار عنصر باد، آب، خاک و آتش یا چهار جهت اصلی شمال، جنوب، شرق و غرب یا چهار فصل یا چهار مرحله زندگی از کودکی تا جوانی و میانسالی و پیری و یا چهار طبع سردی، گرمی، خشکی و رطوبت باشد. (حسینی راد، ۱۳۸۴: ۳۰).</p>		<p>زمین</p>  <p>نقش زمین کشاورزی، ظرف سفالی، شوش، خوزستان، طبقه اول دوران کالکوتیک قدیم و متوسط، 3500 ق.م. ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹</p>	<p>در نقش جام مربع به مثابه زمین زراعتی و نشانه‌ای از عالم مادی محصور در دایره که نماد کائنات و آسمان است دیده می‌شود. امروزه در تحلیل ساختاری اشکال هندسی دایره را کامل‌ترین شکل به شمار می‌آورند، چرا که شکل‌های دیگر هندسی چون مربع و مثلث در آن محاط می‌گردند، شاهد این مدعا در الگویی است که "نوسط لئوناردو داوینچی در عصر رنسانس به هدف ارائه مدلی خلاصه و کامل جهت شناخت جهان با طراحی از یک پیکره در حال حرکت و سکون در دو شکل کامل هندسی، مربعی که درون دایره جایگزین شده است نشان داده" (جنسن، ۱۳۸۸: 554)، و این الگو در بسیاری از علوم و فنون و هنرهای گوناگون از جمله معماری مورد استفاده قرار گرفته است.</p>
<p>مثلث</p>	<p>مثلث به واسطه زوایای تندی که دارد سطحی مهاجم و شکلی ستیزنده به نظر می‌رسد که همواره در حال تحول و پویایی، دانایی، و خدایی است. (حسینی راد، ۱۳۸۴: ۳۱).</p> <p>نماد سحر آمیز آب یک مثلث وارونه است که نشان دهنده جریان رو به پایین است. مثلث وارونه یکی از کهن‌ترین نمادهای زنانگی است. آب - یکی از عناصر چهارگانه حیات - سرد و مرطوب است و نمادبست از بینش و شهود، ضمیر ناخودآگاه و در نهایت پدید آورنده نیروهای رحم. (قدرت باروری) مثلث آب، معمولاً بصورت یک جام یا پیاله نمایش داده می‌شود. (http://padena.persianblog.ir)</p> <p>بر جام شوش یک جفت مثلث همچون بدن جانور و یک مثلث کوچکتر برای سر طرح شده است. که نشان دهنده شکل خدایی این جانور می‌باشد.</p>		<p>نقش آسمان و ماه ظروف سفالی شوش - خوزستان</p>  <p>نقوش روی ظروف سفالی همدان - 3400-4200 ق.م. - نماد مثلث ماخذ: معصومی، ۱۳۸۹</p>	<p>نقش بز به شکل مثلث بیان کننده نقش خدایی این جانور در فرهنگ نوستیگی است. به گفته پوپ: «این علامت، مختص آسمان، گویی همان زمان دیگر علامت وابسته به ماه گردیده بود. در حقیقت بزکوهی یک ماه جانور است که از دو مثلث شکل گرفته و بر میان صحنه آسمان ایستاده است.» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۴۵ و ۱۰۴۶)</p> <p>در کتاب <i>دانشنامه اساطیر جهان</i> از ((بز به عنوان نماد چابکی و گاه نشانه اصرار خیره سرانه بر یک روش خاص فردی است و در زبان لاتین این نام معادل واژه دمدمی مزاج است)). (اسماعیل پور، ۱۳۸۶: 516).</p> <p>این تعریف از بز به خصوصیات ذاتی مثلث بسیار نزدیک است، چرا که مثلث پویاترین اشکال هندسی است، سطحی مهاجم و ستیزنده به نظر می‌رسد اگر بر یک ضلع خود قرار گیرد شکلی مستحکم با اشاره و حرکتی رو به بالا ولی در صورتی که بر یکی از زاویه‌هایش قرار گیرد بی ثبات‌ترین و متزلزل‌ترین اشکال می‌شود و می‌توان این تعریف را معادل خصوصیت دمدمی مزاج برای بز دانست.</p>

ترکیب‌بندی (Composition) نقوش جام سفالی شوش

«مهم‌ترین کار در حل یک مسئله بصری، کمپوزیسیون یا ترکیب‌بندی آن است. رسیدن به معنای مدنظر در یک عبارت تصویری، بستگی زیادی به نوع ترکیب‌بندی آن دارد. علاوه بر آن ترکیب‌بندی یک اثر در جلب توجه بیننده نیز نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. کسی که می‌خواهد از راه تصویر با دیگران ارتباط برقرار سازد، در این مرحله بسیار حیاتی از کارش بیش از هر مرحله دیگری می‌تواند و باید بر کارش احاطه و نظارت کامل داشته باشد؛ زیرا او برای القای منظورش از بهترین موقعیت برخوردار است.» (داندیس، ۱۳۸۰: ۴۵). در واقع، ترکیب عاملی است

که با سامان بخشیدن مؤثر به چگونگی چیدمان و نظم عناصر بصری در یک فضا و کادر مشخص بر اساس ذهنیت هنرمند و روابط تجسمی، سبب می‌شود تا مخاطبان اثر بتوانند به طرز مؤثری با آن ارتباط برقرار کنند. در جام سفالی شوش، هنرمند سفال‌گر، توانسته است، مفهوم و اهمیت باران و حاصل‌خیزی را به بهترین شکل ممکن با نقوش خود نشان دهد. او همچنین با ترکیب موفق عناصر بصری نقوش جام و انتخاب جایگاه مناسب همه شکل‌ها و ترکیب‌بندی متناسب و متعادل آن‌ها، اجزا را از کل تفکیک‌ناپذیر کند. مطالب بیان شده، گواهی است که هنرمند سفال‌گر در چهارهزار سال پیش به این درک عمیق و ظریف بصری از مفهوم امروزی ترکیب‌بندی رسیده بوده است که در نمایش اثری واحد، پیام بصری را به طرز مؤثر به مخاطب انتقال دهد.

تصویر ۷، تناسب طلایی،
منبع: مبانی هنرهای تجسمی،
حسینی راد، ۱۳۸۴



سمت چپ تصویر ۸،
تناسبات طلایی روی بدن بز



وسط تصویر ۹،
تناسبات طلایی در شکل تمام بدن و شاخ بز،
منبع: نگارندگان
سمت راست تصویر ۱۰،
تناسب های طلایی در کل اندازه جام شوش،
منبع: نگارندگان

تناسب در جام شوش

تناسب در اندازه‌ها از قوانین خاص پیروی می‌کند که به آن‌ها اصول و قواعد تقسیمات طلایی و یا تناسبات طلایی (Golden Section) گفته می‌شود. «بخش‌بندی طلایی، تقسیم‌کردن خط راست را با آفریدن تعادل کامل نسبت‌های کمی ممکن می‌سازد» (مانته، ۱۳۸۷: ۸۸). این نوع تقسیم از نظر بصری و همین‌طور از نظر منطقی، نسبت‌های زیبایی را میان اجزا با یکدیگر و با کل پدید می‌آورد که هم در معماری و هم در هنرهای بصری از آن بسیار استفاده شده است (حسینی‌راد، ۱۳۸۴: ۴۷). بر پایه تجزیه و تحلیل نگارنده بر نقوش جام، تناسب طلایی به صورت دقیق و حرفه‌ای از شکل بدن بز به صورت مجزا تا شکل بدن همراه با شاخ بز و کل اندازه جام شوش رعایت شده است (شکل ۷ و ۹ و ۱۰).

تعادل^۲ و نشان‌دادن این کیفیت بصری بر جام شوش

«یکی از عوامل فیزیکی و فیزیولوژیکی مهم و مؤثر بر حواس انسان، قوه تعادل است؛ بدین سبب به‌طور غریزی برای حفظ تعادل، هنگام دیدن به ساخت محورهای عمودی و افقی نیازمند است» (داندیس، ۱۳۸۰: ۴۹). در طبیعت نیز وجود تعادل نقش بسیار با اهمیت و حساسی دارد و در

حقیقت، طبیعت چیزی جز تعادل نیروهای موجود نیست (موناری، ۱۳۷۰: ۳۲).

انواع تعادل:

تعادل متقارن

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام شده، تعادل متقارن را در نقش‌های جام به صورت رویارویی دو عنصر تصویری دوجانور، جفت ماه و جفت بز می‌بینیم. این تقارن همچنین می‌تواند نشان‌دهنده گونه‌ای مقوله‌بندی ذهن بدوی، به تبعیت از تقارن دوجانبی بدن آدمی و اهمیت بنیادین آن تقارن در حفظ تعادل اندام باشد. «دوام درازمدت آن زاییده خاصیت تزئینی آن بوده است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۳۷).

تعادل غیرمتقارن

در ترکیب‌بندی‌هایی با تعادل غیرمتقارن، شکل‌ها بر اساس اندازه، جهت، تیرگی‌روشنی، رنگ، بافت و جای آن‌ها در مقایسه با یکدیگر و در نسبت به کادر تصویر با بهره از انرژی بصری ایجاد تعادل می‌کنند. در این نوع از ترکیب‌بندی، انرژی بصری پر تحرک و پویاتر احساس می‌شود. روی نقش‌های جام تصور و ذهنیت ما از بز حیوانی روی زمین و پرند در آسمان است و این تعادل ذهنی در جایگزینی شکل‌ها روی جام رعایت شده است و همچنین در استفاده تیرگی و روشنی که بز با خطوط ضخیم و پرند و سگ با خطوط ظریف نمایش داده شده‌اند.

تعادل (Balance) به واسطه تباين (Contrast)

تعادل کامل و توازن معقول نوعی آسایش بصری در ادراک حسی انسان ایجاد می‌کند که کنتراست برخلاف این قاعده حرکت می‌کند؛ لذا از کنتراست و تباين به‌عنوان سبب ایجاد تحرک و تنوع و عامل بسیار مهم بیان اندیشه و باورهای هنرمند برای برقراری ارتباط با مخاطب استفاده می‌شود. (داندیس، ۱۳۸۰: ۱۴۴). این گونه تعادل از کشاکش عناصر متباين (رنگ‌های سرد و گرم، تیرگی و روشنی، فضای پر و خالی، اندازه بزرگی و کوچکی، و غیره) به‌دست می‌آید.

در نمونه مطالعاتی حاضر، کنتراست در اندازه که از انواع تباين است، مشاهده می‌شود. با بزرگ‌تر کردن شاخ بز و ایجاد تضاد نسبت به شکل رثال، باعث جلوه بیشتر معنی، گویاتر شدن حالت و در نتیجه انتقال مفاهیم و پیام‌ها به‌شکلی مؤثرتر و عمیق‌تر گردیده است. در خصوص شکل‌ها، اهمیت مفهوم شاخ‌ها به‌عنوان نشانه‌ای از مایه حیات (آب) برای مردمان آن زمان شرح داده شد. در تحلیل به‌کارگیری تکنیک کنتراست به‌وسیله هنرمند نوسنگی با تغییر اندازه برای قوی‌تر نشان دادن احساس تاکید بر همان مفهوم، روبرو هستیم.

حرکت (Movement)

«عنصر بصری حرکت، مانند بعد سوم و بافت بصری، بیشتر به‌طور ضمنی و به‌صورت کاذب در صفحه دوبعدی طراحی می‌شود و در واقع صورت حقیقی ندارد و با این اوصاف یکی از تجربیات مهم بصری انسان محسوب می‌شود» (داندیس، ۱۳۸۰: ۹۹).

حرکت می‌تواند دو معنا داشته باشد: ۱. حرکت به‌معنای تغییر و جابه‌جایی در مکان و در زمان است که در نقش‌های این جام استفاده نشده است؛ ۲. حرکت معنایی عمومی‌تر و عمیق‌تر نیز دارد که در این جام استفاده شده است و آن حرکت به‌عنوان یکی از مظاهر حیات مثل گردش فصول، حرکت پی‌درپی روز و شب است. نقش‌های روی جام شوش، در گردش فصل‌ها روند زندگی مردمان را تعیین می‌کند و زمانی که کشت‌زار و گله تنها مایه امرار معاش باشد، توالی منظم بهار تا زمستان در کل گردش فصول، به معنی خود زندگی است که اختلال در آن ممکن است موجب وقفه حیات گردد. این شرایط اقلیمی و آب‌وهوایی و فصول از آسمان فرود می‌آیند



تصویر ۱۱، تعادل ذهنی در قرارگیری شکل‌های روی جام، منبع: نگارندگان



تصویر ۱۲، ریتم یکنواخت روی جام، منبع: نگارندگان



تصویر ۱۳، فاصله ریتم متناوب روی جام، منبع: نگارندگان

تصویر ۱۴، ریتم متناوب روی جام با تغییر ضخامت خطوط، منبع: نگارندگان





تصویر ۱۵، ریتم تکاملی روی جام از مرکز
به اطراف،
منبع: نگارندگان

و ضرورت تسلط یافتن مردمانی که زیر آسمان زندگی می‌کنند، بر این عوامل جوی آشکار است. در هنرهای تجسمی نمایش حرکت غالباً توسط ریتم (Rhythm) صورت می‌گیرد که در ادامه به تحلیل به‌کارگیری سه نوع ریتم یکنواخت، متناوب، تکاملی در جام شوش جهت نمایاندن اولویت‌های زیستی مردمان چهارهزار سال پیش می‌پردازیم.

تکرار یکنواخت: پرندگان بالای جام به صورت نمای خطی دارای ریتم یکنواخت هستند که به شکلی متوالی تکرار شده‌اند.

تکرار متناوب: نقش‌های روی جام در یک جهت و به یک شکل و اندازه قرار نگرفته‌اند؛ بلکه هنرمند با استفاده از ریتم متناوب که با تکرار یک عنصر بصری و ایجاد تغییراتی از یکنواختی بصری جلوگیری کرده است. این ریتم بر جام در خطوط که نشان‌دهنده آب و جهت نگاه حیوانات است مشخص شده است.

تکرار تکاملی: در نمونه مطالعاتی، ریتم تکاملی نوعی رشد و کامل شدن بدر ماه را به‌طور تصاعدی با القای احساس حرکت نشان می‌دهد. از آنجا که ریتم تدریجی تکامل ماه خود در قدیم مثل گاه‌شماری بوده که در امر اقتصاد عمومی نیز از اهمیت محوری برخوردار بوده است و همچنین ماه عامل نزول باران و وابسته به بارندگی می‌شد و بارندگی وابسته به حاصل‌خیزی و حاصل‌خیزی وابسته به اقتصاد به‌شمار می‌رفته و اینگونه گواهی می‌دهد که هنرمند چهارهزار سال پیش، شکل و روابط و کیفیت‌های تجسمی را در ارتباط با محتوا بر روی جام شوش نقش زده است.

نتیجه:

تصویر اشیا و پدیده‌ها در ادراک حسی و حافظه‌ی تصویری یا دیداری سبب بازشناسی محیط پیرامون می‌شود و در فرآیند شناخت نقش بسیار مهمی دارد. تصویر ذهنی در غیاب اشیا یا پدیده‌ها نیز در ذهن حضور دارد و در فعالیت‌های روانی، تخیل و عواطف بیشترین سهم را ایفا می‌کند. منشأ هنر در سیر تکامل جوامع بشری را به دلیل نقاشی‌ها و اشکال منقوش در غارهای متعدد سراسر جهان به دوره‌های غارنشینی انسان‌های ماقبل تاریخ نسبت می‌دهند. به علاوه تصویر را نخستین وسیله‌ی ارتباطی میان انسان‌ها دانسته‌اند و این وسیله‌ی ارتباطی در شکل تکامل یافته‌تر خود به خط تصویری یا تصویر نگاری انجامیده است، که در تکامل جوامع بشری و انتقال تجربه و اندیشه بسیار حایز اهمیت است. به‌طور خلاصه، می‌توان دریافت که جنبه‌ی بصری تصویر (ساختار، محتوا) در تمام انواع کاربردها و مفهوم‌های متنوع آن، اصلی‌ترین خصیصه‌ی مشترک انسانها تا به امروز است. با این همه، آنچه در این پژوهش حاصل شد رویکرد دیگری است که به جنبه‌های متنوع و گوناگون نقوش (تصاویر) جام شوش از دید رعایت اصول میانی هنرهای تجسمی در راستای بیان محتوا (پیام) پرداخت، و وجه مشترک این نقوش ترسیم شده روی جام شوش چهارهزار سال را می‌توان با آموزش‌ها و قوانین هنرهای امروزی تطبیق داد، سازنده جام با به‌کارگیری عناصر اولیه و جایگزینی صحیح عناصر (نقوش) و تغییر شکل عناصر و محل قرارگیری نقوش در کادر جام، در بیان معنا و محتوا که اهمیت نظام زندگی با تکیه بر آب است، توانسته به معنای مدنظر برسد و با انتزاع و خلاصه‌ساختن نقوش به بیانی عمیق‌تر از ساختار به محتوای نقوش جام بپردازد.

منابع فارسی

- آموزگار، ژاله (۱۳۷۴)، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمت.
- پور داوود، ابراهیم (۱۳۲۶)، فرهنگ ایران باستان، تهران، دانشگاه تهران
- تفضلی، احمد؛ به کوشش ژاله آموزگار (۱۳۷۵)، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، سخن
- پوپ، آرتور آپهام (۱۳۸۷)، شاهکار هنر ایران، مترجم پرویز خانلری، تهران، علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور آپهام (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، جلد ۷، تهران، علمی فرهنگی.
- حسینی راد، عبدالمجید (۱۳۸۰)، مبانی هنرهای تجسمی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، چاپ اول.

پی‌نوشت

- حسینی راد، عبدالمجید (۱۳۸۴)، مجموعه‌ای از آثار گرافیک علی وزیریان، تهران، کانون فرهنگی هنری اینثارگران، چاپ اول.
- داندیس، دونیس (۱۳۸۰)، مبادی سواد بصری، ترجمه مسعود سپهر، تهران، سروش، چاپ چهارم.
- دی.کی. چینگ. فرانسیس (۱۳۸۸)، ترسیم فرایندی خلاقانه، ترجمه رامین تابان، تهران، یزدا.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱)، آیین مهر (میترائیسم)، تهران، بهجت.
- پاکباز، رویین (۱۳۷۸)، دایره‌المعارف هنر، تهران، فرهنگ معاصر، چاپ اول.
- صمدی، مهرانگیز (۱۳۶۷)، ماه در ایران، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- گریشمن، رمان (۱۳۷۲)، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- معصومی، مختار (۱۳۸۹)، بیتا. نقش دیروز، گرافیک امروز، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- موناوی، برونو (۱۳۷۰)، طراحی و ارتباطات بصری، ترجمه پاینده شاهنده، تهران، سروش.
- مهرار، رحمت الله (۱۳۶۷)، آرمان‌های انسانی در فرهنگ و هنر ایران، تهران.
- نیرومند، محمد حسین (۱۳۸۹)، دستور العمل‌های فیل آبی برای ایده یابی، فرهنگسرای میردشتی
- وارنر، رکس (۱۳۸۹)، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، اسطوره .
- مانته، هارالد (۱۳۸۷)، ترکیب بندی در عکاسی، ترجمه پیروز سیار، تهران، سروش، چاپ هفتم.
- یاور، حسین (۱۳۶۵)، نساجی و بافت، هنر نامه، شماره ۲، بهار ۱۳۸۷، سال اول

منابع لاتین:

- Eliseo Veron, «L'analogique et le contigu», Communications no 15 L'analyse des images, seuil, 1970

منابع دیجیتال

- www.kchuast.ac.ir/khalagh.pdf
- خلاقیت هنری مرکز آموزش علمی کاربردی، نوشته شده توسط خانم کوهی، صفحه ۱۱
- <http://padena.persianblog.ir> نویسنده: سینا، ۱۳۸۵

منابع تصویری

- عبداللهیان، بهناز (۱۳۷۸)، مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه های پیش از تاریخ، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه هنر، ص ۵۰ تا ۶۱
- معصومی، مختار (۱۳۸۹)، بیتا. نقش دیروز، گرافیک امروز، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- حسینی راد، عبدالمجید (۱۳۸۰)، مبانی هنرهای تجسمی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتابهای درسی ایران، چاپ اول.